

Analysis of the coherence of the text of the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Ali Ariannezhad^{1*}, Hadi Tahan Nazif²

1. Phd Student in Public Law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran .

2. Associate Prof. of Public Law, Department of Public and International Law, Faculty of Islamic Studies and Law, University of Imam sadiq, Tehran, Iran.

Abstract

The Constitution of the Islamic Republic of Iran is a written constitution, and adherence to the means of interpretation is necessary for its implementation. In interpreting the constitution, there are two general approaches, source-based and non-source-based, and the Guardian Council, as a competent interpreter of the constitution, has followed the source-based approach according to Article 98 of the Constitution. In the originist approach, the text is of primary importance for understanding the text, and therefore the tools of linguistics can be used. One of these tools is text coherence; It means the structural features of a text or saying that connects different parts of the units of a discourse in a way that creates a system in the discourse, and to measure and create it, several models have been stated, some of which can be used in the interpretation of the constitution. Since the exploitation of text coherence models in the capacity of constitutional interpretation requires proof of the coherence of the constitutional text; It is necessary to measure the coherence of its text, which itself leads to the discovery of tools and methods for interpreting the text of the constitution. On the other hand, from the results of this assessment, we can find tools that can be used in the legislative process for the coherence of legal texts. Therefore, the present study aims to answer the question, "What is the degree of coherence of the constitutional text?" with descriptive-analytical method. For this purpose, by using three models "Helidi and Hassan theory", "foundation issue analysis model" and "focal theory", he measured the coherence of the text of the constitution and finally proved that the text of the constitution of the Islamic Republic of Iran is relatively coherent.

Keywords: Text Coherence, Interpretation, Legal Linguistics, Constitutional Law, Legislation, Systematic Approach, Originalism

* Corresponding Author: a.ariannezhad@ut.ac.ir



Article Type:

Original Research

Pages: 63-110

Received: 2024 January 24

Accepted: 2024 December 04



تحلیل میزان انسجام متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

علی آریان‌نژاد^{۱*}، هادی طحان‌نظیف^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشیار حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک قانون اساسی نوشته است و تمسک به ابزار تفسیر برای اجرای آن لازم است. در تفسیر قانون اساسی دو رویکرد کلی منشأگرا و غیر منشأگرا وجود دارد که شورای نگهبان به عنوان مفسر صالح قانون اساسی بنا بر اصل ۹۸ قانون اساسی، به پیروی از رویکرد منشأگرا پرداخته است. در رویکرد منشأگرا، متن درجه اول اهمیت را برای فهم متن دارد و از همین روی می‌توان از ابزارهای علم زبان‌شناسی بهره جست. یکی از این ابزارها، انسجام متن است؛ به معنای ویژگی‌های روساختی یک متن یا گفته که بخش‌های مختلف واحدهای یک گفت‌وگو را به هم پیوند می‌دهد به نحوی که درگفت‌وگو یک نظام ایجاد می‌نماید و برای سنجش و ایجاد آن الگوهای متعددی بیان شده است که از برخی از آن‌ها می‌توان در تفسیر قانون اساسی بهره برد. از آنجاکه بهره‌برداری از الگوهای انسجام متن در مقام تفسیر قانون اساسی مستلزم اثبات انسجام متن قانون اساسی است؛ سنجش میزان انسجام متن آن ضروری است که این مهم خود موجب کشف ابزارها و شیوه‌هایی برای تفسیر متن قانون اساسی است. از طرفی از ماحصل این سنجش می‌توان ابزارهایی را یافت که در فرآیند قانون‌گذاری جهت انسجام متون قانونی قابل بهره‌برداری است. از همین روی پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این سؤال است که «میزان انسجام متن قانون اساسی چه قدر است؟». به همین منظور با استفاده از سه الگوی «نظریه هلیدی و حسن»، «مدل تحلیل موضوع بنیاد» و «نظریه کانونی» میزان انسجام متن قانون اساسی را سنجیده و در نهایت اثبات نموده است که متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبتاً منسجم است.

واژگان کلیدی: انسجام متن، تفسیر، زبان‌شناسی حقوقی، قانون اساسی، قانون‌گذاری، نگرش

نظام‌مند، منشأگرایی



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۶۳-۱۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یک قانون اساسی نوشته است. در نظام‌های حقوقی که از قانون اساسی نوشته استفاده می‌کنند، تفسیر متن قانون کاربرد بیشتری دارد. در اصل ۹۸ قانون اساسی نیز به وظیفه مهم تفسیر قانون اساسی اشاره شده و این وظیفه خطیر را برعهده شورای نگهبان نهاده است. درخصوص تفسیر قانون اساسی همانند تفسیر سایر قوانین، دو رویکرد کلی منشأگرا و غیرمنشأگرا وجود دارد. در رویکرد منشأگرایی، قانون موضوعی ایستا در گذشته است که برای فهم آن باید به همان زمان بازگشت؛ در مقابل رویکرد غیرمنشأگرا روی به مخاطب و غایت قوانین دارد و در نتیجه دلیلی برای محصورکردن قانون در گذشته نمی‌بیند. (خلف‌رضایی، ۱۳۹۳: ۸۶) در رویکرد منشأگرایی، متن درجه اول اهمیت برای دریافت معنای اصلی را دارد. شورای نگهبان نیز به عنوان مفسر قانون اساسی در بسیاری از نظرات تفسیری خود به پیروی از این رویکرد، بر ظاهر الفاظ و واژگان قانون اساسی تمرکز داشته است. (موسی‌زاده و منصوریان، ۱۳۹۳: ۱۳)

از طرفی از آنجاکه زبان‌شناسی علم به دست آوردن شناختی نظام‌یافته و قاعده‌مند از موضوع زبان است، (حق‌بین، ۱۳۹۹: ۲۲۶) می‌توان در عالم حقوق از آن علم استفاده کرد. همین مهم نیز سبب شده است که از تلاقی علم حقوق و زبان‌شناسی، شاخه‌ای میان رشته‌ای تحت عنوان زبان‌شناسی حقوقی پدید آید که در تعریف آن آمده است، علمی می‌باشد که ناظر بر عملکرد کلیه شاخه‌های زبان‌شناسی در علم حقوق است. (رنج‌بردار، ۱۳۹۷: ۱۱) به نظر مهم‌ترین کاربرد زبان‌شناسی حقوقی در تفسیر متون حقوقی بوده که البته صرفاً در مکتب منشأگرایی قابل‌کاربست است. بنابراین مبتنی بر این مکتب، می‌توان در تفسیر قانون اساسی نیز از ابزارهای زبان‌شناسی حقوقی بهره برد.

یکی از مکاتب زبان‌شناسی، زبان‌شناسی نقش‌گرا است که زبان را پدیده‌ای اجتماعی می‌انگارد که به خاطر نیاز ارتباطی به وجود آمده است و در تحلیل آن، توجه به معانی و

نقش واحدهای زبان لازم است. درمقابل مکتب صورت‌گرا به مطالعه دستور می‌پردازد و بر صورت‌های زبانی و الگوهای ساخت واژه و جمله تأکید می‌کند. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۵ و ۸۰) ذیل مکتب نقش‌گرا رویکردهای مختلفی وجود دارد که اولین آن رویکردها، توسط هلیدی در سال ۱۹۹۴ مطرح شد. هلیدی مبتنی بر نگرش نظام‌مند به متن، نظریه خود را ارائه کرده است. توضیح آنکه بینش نظام‌مند عمیقاً بر مفهوم کل‌گرایی تکیه دارد و بر این باور است که بررسی و تعمق در کل یک وجود نه تنها تصویری جامع از آن موجود و رفتارش به دست می‌دهد، بلکه تنها راه شناخت واقعی آن پدیده است. (الهویی نظری، ۱۳۹۴: ۱۹۵) در روش تحلیل علمی یا نظام‌مند به یک متن نیز همچون یک نظام نگاه می‌شود و صرف‌نظر از عوامل و مبانی سازنده آن و فارغ از چگونگی انطباق آن بر وقایع جاری، سعی بر آن است که بینیم قواعد مندرج در آن چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و هر قاعده چگونه در داخل نظام به گردش درمی‌آید. در نگرش نظام‌مند هر پدیده امری واحد و متصل قلمداد شده که تمام اجزای آن در تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر هستند. (برن، ۱۳۶۲: ۸۴)

مبتنی بر رویکرد هلیدی در زبان‌شناسی در چارچوب نگرش نظام‌مند به متن، مفاهیم جدیدی در زبان‌شناسی تحت عنوان «انسجام» و «پیوستگی» برای اولین بار در کتاب «انسجام در زبان انگلیسی» توسط هلیدی و حسن شناسایی شدند. (محمودزاده و محمودی بختیاری، ۱۳۹۴: ۱۹۰) انسجام که گاه به تعابیر پیوستگی درونی و پیوستگی متنی از آن یاد می‌شود، ویژگی‌های روساختی یک متن یا گفته است که بخش‌های مختلف واحدهای یک گفتمان را به هم پیوند می‌دهد و در مقابل پیوستگی معنایی یا بیرونی به معنای پیوندهای خارج از متن است که خوانندگان و شنوندگان برای دستیابی به تفسیر معناداری از متون در ذهن خود ایجاد می‌کنند؛ بنابراین می‌توان استدلال کرد که یک متن پیوسته لزوماً یک متن منسجم نیست. عکس این قضیه نیز صادق است: هر متن منسجمی لزوماً متن پیوسته نیست؛ زیرا حفظ اتصال منطقی جملات متوالی با یکدیگر،

لزوماً ارتباط مفهومی و موضوعی متن در سطح کلان را حفظ نمی‌کند. (توکلی محمدی و پویازاده، ۱۳۹۶: ۲۹) با توجه به اینکه به نظر می‌رسد تاکنون رویکرد شورای نگهبان، بیشتر به رویکرد منشأگرایی نزدیک بوده است؛ «پیوستگی» در این مکتب کاربردی ندارد و صرفاً می‌توان از ابزار «انسجام» در تحلیل متون حقوقی استفاده کرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مکتب منشأگرایی در تفسیر قانون اساسی، در صدد کاربست ابزارهای انسجام متن در تفسیر قانون اساسی است.

پس از هیلیدی، الگوهای متعدد و مختلفی در مورد انسجام متن طرح شده است. برخی از این الگوها صرفاً برای کشف انسجام یا عدم انسجام یک متن کاربرد دارد؛ اما برخی علاوه بر آن، در تحلیل نظام‌مند یک متن منسجم نیز قابل بهره‌برداری است. از آنجاکه بهره‌برداری از الگوهای انسجام متن در مقام تفسیر قانون اساسی مستلزم اثبات انسجام متن قانون است؛ سنجش میزان انسجام متن قانون اساسی ضروری به نظر می‌رسد. از همین روی پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که «میزان انسجام متن قانون اساسی چه قدر است؟». به همین منظور در ادامه با استفاده از سه الگوی «نظریه هیلیدی و حسن»، «مدل تحلیل موضوع بنیاد» و «نظریه کانونی» میزان انسجام متن قانون اساسی را سنجیده می‌شود.

پیش از این، پژوهش‌های متعددی پیرامون مفهوم و الگوهای انسجام متن، توسط متخصصین علم زبان‌شناسی نظیر «ارزیابی نظریه‌های انسجام و پیوستگی متنی: به سوی چارچوبی برای ارزیابی خوانش‌پذیری در سطح گفتمان» اثر گلشائی و «نقاط اشتراک و افتراق شش الگوی ساختارشناسانه در بررسی انسجام متن قرآن» اثر نبئی و دیگران و پژوهش‌هایی نیز در چارچوب علم زبان‌شناسی حقوق در پیوند انسجام متن و نوشته‌های حقوقی مانند «زبان‌شناسی حقوقی» اثر آقاگل‌زاده صورت گرفته است، به علاوه در خصوص تفسیر قانون اساسی نیز آثار فراوانی از جمله «بایسته‌های تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مفهوم و کارکرد تفسیر در نظام حقوق اساسی» اثر

بهادری جهرمی، «تفسیر قانون اساسی و بررسی روش مراجع آن در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا» اثر نیکوگفتار صفا و «نظریه تفسیراجتهادی در تحلیل رویه تفسیری شورای نگهبان» اثر اصغری شورستانی نگارش یافته است؛ اما از این جهت که پژوهش حاضر در صدد سنجش میزان انسجام قانون اساسی به مثابه مهم‌ترین سند حقوقی می‌باشد، بدیع و شایان توجه است.

۱- بر اساس نظریه هلیدی و حسن

یکی از الگوهایی که در ارزیابی انسجام متن کاربرد دارد، نظریه هلیدی و حسن است که از لحاظ زمانی نیز پیش‌تر از دیگر الگوها ارائه شده است. البته این نظریه به تدریج به تکامل رسیده است؛ به گونه‌ای که می‌توان از آن جهت ارزیابی انسجام متن نیز الگو استخراج نمود. برای تبیین الگوی ارزیابی ارائه شده توسط این نظریه، ابتدا باید به عوامل انسجام و اصطلاحات به کار بسته شده در آن پرداخته شود.

هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ ابزارهای آفریننده انسجام را در زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم کردند: انسجام دستوری، انسجام واژگانی و انسجام ربطی. (ایشانی، ۱۳۹۵: ۴۰) ابزارهای انسجام دستوری شامل ارجاع، جانمایی و حذف بوده که ارجاع عبارت است از رابطه‌ای که میان یکی از عناصر متن و عنصری دیگر برقرار می‌گردد؛ به طوری که تفسیر یک عنصر مستلزم رجوع به دیگری است. جایگزینی نیز رابطه‌ای است که نوعی شمارنده به جای تکرار یک عنصر به خصوص به کار گرفته می‌شود و حذف نیز جایگزینی با تهی است. (گلشائی، ۱۳۹۲: ۳۵)

ابزارهای انسجام واژگانی نیز شامل تکرار، هم‌آیی، ترادف معنایی، تقابل معنایی، تباین معنایی و شمول معنایی است. هم‌معنایی به رابطه‌ای اشاره دارد که دو یا چند واژه، معنای اندیشگانی واحدی داشته باشند. تقابل معنایی نیز به رابطه تقابلی دو یا چند واژه اشاره دارد که این تقابل انواع مختلفی دارد که عبارت‌اند از: تقابل مکمل یا مانع‌الجمع،

تقابل مدّج، تقابل دوسویه، تقابل جهتی، تقابل واژگانی و تقابل ضمنی. شمول معنایی رابطه‌ای است که میان یک مفهوم و مفاهیم تحت شمول آن وجود دارد. تباین معنایی به رابطه دو یا چند واژه که در یک حوزه معنایی قرار دارند یا به رابطه دو یا چند واژه هم‌شمول اطلاق می‌شود. جزء‌واژگی به رابطه کل و جزء یا اجزاء آن گفته می‌شود. هم‌آیی به گرایشی که برخی واژگان برای وقوع درکناریکدیگر دارند گفته می‌شود. تکرار نیز به معنای ذکر مجدد یک واژه در متن است. (ذوقی، ۱۳۹۲: ۱۶۱ و ۱۶۲)

ابزارهای انسجام‌ربطی شامل پیوندهای اضافی، سببی، تقابلی و زمانی می‌باشد. (ولیئی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۲) ارتباط اضافی هنگامی رخ می‌دهد که جمله‌ای، مطلبی را به محتوای جمله قبل اضافه کند. این جمله‌های اضافی می‌تواند جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد. ارتباط سببی هنگامی پدید می‌آید که رویداد فعل یک جمله یا رویداد دیگر جمله‌ها ارتباط سببی و علّی داشته باشد، این ارتباط شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است. ارتباط تقابلی هنگامی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله برخلاف انتظاراتی باشد که جمله ماقبل آن نسبت به موقعیت متکلم و مخاطب به وجود می‌آورد. ارتباط زمانی نیز هنگامی روی می‌دهد که نوعی توالی زمانی میان رویدادهای آن جمله برقرار باشد. (ملابراهیمی و رضایی، ۱۳۹۹: ۲۶)

کاربست عوامل مذکور در تحلیل انسجام‌متن به وسیله مفاهیم خاصی صورت می‌گیرد که آشنایی با آن پیش از ارائه الگوی ارزیابی انسجام‌متن مبتنی بر نظریه هلیدی و حسن، لازم به نظر می‌رسد؛ به عبارت دیگر برخی مفاهیم واسط عوامل انسجام‌متن را در هر متن قابل سنجش می‌کنند که شناخت آن ضروری است.

مفهوم اساسی در تحلیل انسجام‌متن «گره»^۱ می‌باشد؛ منظور از گره، وقوع پیوند بین دو عبارت است. (Hasan & Halliday, ۱۹۷۶: ۳) با توجه به فاصله بین دو عبارت که از طریق گره به یکدیگر متصل می‌شوند، گره‌ها به انواع سه‌گانه تقسیم می‌شوند

1. Tie

که عبارت انداز؛ گره‌پایی^۱ که جمله‌ای را به جمله‌ای که بلافاصله پس از آن می‌آید متصل می‌کند، گره‌میانجی^۲ که در آن بین دو عبارت مورداتصال، یک جمله فاصله ایجاد کرده است و گره‌دور^۳ که در آن فاصله بین دو عبارت مورداتصال بیش از یک جمله است. (مظفرزاده رودسری، ۱۳۷۶: ۵۰)

گره‌ها خود عاملی برای ایجاد زنجیره‌ها هستند. به عبارت دیگر با اتصال دو عبارت از طریق یک‌گره، آن دو عبارت اصطلاحاً در یک زنجیره قرار می‌گیرند. ساده‌ترین زنجیره متشکل از یک‌گره می‌باشد، اما ممکن است هریک از عبارات مورداتصال در این زنجیره توسط گره‌های دیگر به عبارات دیگر متصل شوند و در نتیجه یک زنجیره پیچیده با عناصر و گره‌ها متعدد پدید آید.

هرگاه بین دو یا چند عضو از یک زنجیره با دو یا چند عضو از زنجیره دیگر، پیوندی وجود داشته باشد؛ بین آن دو زنجیره «تعامل» به وجود می‌آید و در مقابل هرگاه بین دو یا چند زنجیره، تعاملی وجود نداشته باشد؛ بین آن‌ها «شکاف» به وجود می‌آید. (ایشانی، ۱۳۹۵: ۵۰)

هرواژه شرکت‌کننده در متن را اصطلاحاً «نمونه» گویند که پیرامون آن نیز اصطلاحاتی وجود دارد که عبارت انداز؛ «کل نمونه‌ها» که به مفهوم تمام نمونه‌های به‌کار رفته در متن می‌باشد، «نمونه‌های مرتبط» که به نمونه‌های واقع در زنجیره‌ها اطلاق می‌شود، «نمونه‌های مرکزی» که جزئی از نمونه‌های مرتبط و به معنای نمونه‌های به‌کار رفته در زنجیره‌های تعامل‌کننده با سایر زنجیره‌ها می‌باشد، «نمونه‌های غیرمرکزی» که زیرمجموعه‌ای از نمونه‌های مرتبط است که در تعامل زنجیره‌ای شرکت نمی‌کنند و «نمونه‌های جنبی» که مفهوم مقابل نمونه‌های مرتبط و شامل نمونه‌هایی است که در هیچ‌کدام از زنجیره‌ها شرکت ندارند. (ایشانی، ۱۳۹۵: ۵۰)

1. Immediate tie
2. Mediated tie
3. Remote tie

ارزیابی انسجام‌متن در الگوی هلیدی و حسن فرآیندی دارد که جهت ارزیابی صحیح متن قانون اساسی باید تمام این متن منطبق بر آن فرآیند مورد تحلیل واقع شود، اما با توجه به محدودیت پژوهش حاضر به عنوان نمونه یک فصل از قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است همان‌طور که از عنوان فصول قابل تشخیص است، برخی از فصول موضوعات گسترده‌ای دارند و در نتیجه میزان انسجام در آن به نسبت اندک است که فصل اول (اصول کلی)، دوم (زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور) و سوم (حقوق ملت) قانون اساسی از این قبیل هستند. از بین سایر فصول نیز فصل هفتم تحت عنوان «شوراها» برای بررسی انتخاب می‌گردد. لازم به ذکر است الگوی سنجش میزان انسجام متن مبتنی بر الگوی هلیدی و حسن که در ادامه به صورت مصداقی در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌گردد، برگرفته از کتاب «نظریه انسجام و پیوستگی و کاربست آن در تحلیل متون» اثر ایشانی است که بنا بر آن، الگوی سنجش در قالب شش مرحله متوالی به شرح زیر قابل طرح است:

۱. تقسیم کردن متن به چند بند؛

۲. نوشتن عبارت‌های موجود در هر بند بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و ... به صورت جداگانه و مجزا؛ (از آنجاکه عبارات اضافی یا توصیفی به صورت کل واحد و در قالب یک نمونه تحلیل می‌شوند، به نظر نگارنده در این مرحله لازم است تا در این عبارات، هسته اصلی عبارت مشخص گردد تا متناسب با آن‌ها، عوامل انسجام و زنجیره‌ها شناسایی گردد. منظور از هسته اصلی عبارت، واژه‌ای است که سایر واژگان عبارت برای توصیف یا توضیح آن در متن نگارش شده است و به عبارت دیگر بدون آن واژه، سایر واژگان معنای مستقلی نخواهند داشت.)

۳. یافتن عوامل انسجام در متن از میان واژه‌های نوشته شده یا کل نمونه‌ها؛

۴. تشکیل زنجیره‌ها به منظور شناسایی نمونه‌های مرتبط؛

۵. شناسایی نقاط تعامل و زنجیره‌های متعامل جهت کشف و تفکیک نمونه‌های مرکزی و غیرمرکزی؛
۶. محاسبه درجه انسجام متن از دو طریق محاسبه‌ی درصد نسبت نمونه‌های مرتبط یا نمونه‌های مرکزی به کل نمونه‌ها که معیار اخیر دقیق‌تر است.

۱-۱- تقسیم متن به بند

مفهوم «بند» در این الگو به مثابه «جمله» در دستور زبان فارسی است. جمله واحدی از زبان است که به دو قسمت نهاد و گزاره بخش پذیر باشد. (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۹) از طرفی در جمله حداقل باید یک فعل وجود داشته باشد (شریعت، ۱۳۷۲: ۷۷) که این مهم خود معیار مناسبی برای شناسایی جمله‌ها و به تبع بندها می‌باشد. براین اساس در ادامه فصل هفتم قانون اساسی به بند تقسیم می‌گردد:

• اصل یکمدم

۱. برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد.
۲. که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.
۳. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود و ظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله‌مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

• اصل یکصدویکم

۴. به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود.
۵. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

• اصل یکصدودوم

۶. شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه
۷. و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند.
۸. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

• اصل یکصدوسوم

۹. استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت آن‌ها هستند.

تصمیمات

• اصل یکصدوچهارم

۱۰. به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران،
۱۱. و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این‌ها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود.
۱۲. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آن‌ها را قانون معین می‌کند.

• اصل یکصد و پنجم

۱۳. تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

• اصل یکصد و هشتم

۱۴. انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست.

۱۵. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آن‌ها را قانون معین می‌کند.

۱۶. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند

۱۷. و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

۲-۱- جداسازی نمونه‌ها

در این مرحله عبارات در هربند از یکدیگر جداسازی می‌شوند تا تعداد کل نمونه‌ها محاسبه شود. همان‌طور که بیان شد، در این مرحله حروف اضافه حذف می‌گردند و در عبارات توصیفی و اضافی که چندواژگانی هستند، هسته اصلی عبارت با درج خط در ذیل آن مشخص می‌شود.

• اصل یکصدم

۱. پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) اقتصادی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) عمرانی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) بهداشتی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) فرهنگی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) آموزشی - (پیشبرد سریع) سایر امور رفاهی - همکاری مردم - مقتضیات محلی - اداره امور هر روستا - (اداره امور هر) بخش - (اداره امور هر) شهر - (اداره امور هر) شهرستان - (اداره امور هر) استان - نظارت شورایی - شورای ده - (شورای) بخش - (شورای) شهر - (شورای) شهرستان - (شورای) استان - صورت می‌گیرد.

۲. اعضای آن - مردم همان محل - انتخاب می‌کنند/

۳. شرایط انتخاب‌کنندگان - (شرایط) انتخاب‌شوندگان - حدود وظایف - (حدود) اختیارات - نحوه انتخاب (اعضای شوراهای مذکور) - (نحوه‌ی) نظارت شوراهای مذکور - سلسله مراتب آن‌ها - رعایت اصول وحدت ملی - (رعایت اصول) تمامیت ارضی - (رعایت اصول) نظام جمهوری اسلامی - تابعیت حکومت مرکزی - (باید) باشد - قانون - معین می‌کند/

• اصل یکصد و یکم

۴. جلوگیری از تبعیض - جلب همکاری - تهیه برنامه‌های عمرانی (استان‌ها) - (تهیه برنامه‌های) رفاهی استان‌ها - نظارت - اجرای هماهنگ آن‌ها - شورای عالی استان‌ها - مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها - تشکیل می‌شود/

۵. نحوه تشکیل - وظایف این شورا - قانون - معین می‌کند/

• اصل یکصد و دوم

۶. شورای عالی استان‌ها - حق دارد - حدود وظایف خود - طرح‌هایی - تهیه (کند)/

۷. مستقیماً - طریق دولت - مجلس شورای اسلامی - پیشنهاد کند/

۸. این طرح‌ها - مجلس - مورد بررسی - (باید) قرار گیرد/

• اصل یکصد و سوم

۹. استانداران - فرمانداران - بخشداران - سایر مقامات کشوری - طرف دولت - تعیین می‌شوند - حدود اختیارات شوراها - رعایت تصمیمات آن‌ها - (ملزم) هستند/

• اصل یکصد و چهارم

۱۰. تأمین قسط اسلامی - همکاری - تهیه برنامه‌ها - ایجاد هماهنگی -

- پیشرفت امور - واحدهای تولیدی - (واحدهای صنعتی - واحدهای کشاورزی - شوراهایی - مرکب از نمایندگان کارگران - نمایندگان دهقانان - نمایندگان دیگر کارکنان - نمایندگان دیگر مدیران - تشکیل می شود) /
۱۱. واحدهای آموزشی - (واحدهای اداری - واحدهای خدماتی - مانند اینها - شوراهایی - مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها - تشکیل می شود) /
۱۲. چگونگی تشکیل این شوراها - حدود وظایف (آن ها) - (حدود) اختیارات آن ها - قانون - معین می کند /

• اصل یکصد و پنجم

۱۳. تصمیمات شوراها - مخالف موازین اسلام - (مخالف) قوانین کشور - نباید باشد /

• اصل یکصد و ششم

۱۴. انحلال شوراها - انحراف از وظایف قانونی - ممکن نیست /
۱۵. مرجع تشخیص انحراف - ترتیب انحلال شوراها - طرز تشکیل مجدد آن ها - قانون - معین می کند /
۱۶. شورا - اعتراض به انحلال - حق دارد - دادگاه صالح - شکایت کند /
۱۷. دادگاه - موظف است - خارج از نوبت - آن - رسیدگی کند /
- باتوجه به تحلیل فوق، فصل هفتم قانون اساسی دارای ۱۷ بند و ۱۱۸ کل نمونه‌ها می باشد. در مرحله بعد بایستی زنجیره‌ها و به تبع نمونه‌های مرتبط شناسایی شود. با کسر تعداد نمونه‌های مرتبط از کل نمونه‌ها، تعداد نمونه‌های جنبی نیز مشخص خواهد شد.

۳-۱- شناسایی عوامل انسجام و تشکیل زنجیره‌ها

مرحله سوم در تحلیل انسجام متن بر اساس نظریه هلیدی و حسن، شناسایی

عوامل انسجام و مرحله چهارم آن نیز تشکیل زنجیره‌ها می‌باشد که برای جلوگیری از تکرار، این دو مرحله به صورت هم‌زمان در قالب این بخش بررسی می‌گردد. به این منظور ابتدا زنجیره‌ها در قالب جدول ذیل نمایش داده شده است و سپس نوع ارتباط نمونه‌های موجود در هر زنجیره و عامل انسجام به کار رفته در آن مبتنی بر جدول شرح داده می‌شود. در جدول، هر ردیف مربوط به یک بند و هرستون مربوط به یک زنجیره می‌باشد. در هر کدام از واحدهای جدول نیز نمونه‌های مرتبط با توجه به شماره بند و زنجیره مربوط نگاشته شده است.

الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
۱	پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) اقتصادی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) عمرانی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) بهداشتی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) فرهنگی - (پیشبرد سریع برنامه‌های) آموزشی	سایر امور رفاهی	همکاری مردم	اداره امور هر روستا - (اداره امور هر) بخش - (اداره امور هر) شهر - (اداره امور هر) شهرستان - (اداره امور هر) استان - نظارت شورایی	شورای ده - (شورای) بخش - (شورای) شهر - (شورای) شهرستان - (شورای) استان			
۲		مردم همان محل		انتخاب می‌کنند				
۳			حدود وظایف - (حدود) اختیارات - (تحوی) نظارت شوراهای مذکور - معین می‌کند		شرایط انتخاب کنندگان - (شرایط) انتخاب شوندگان - نحوه انتخاب (اعضای شوراهای مذکور)	رعایت اصول وحدت ملی - (رعایت اصول) تمامیت ارضی - (رعایت اصول) نظام جمهوری اسلامی - تابعیت حکومت مرکزی	قانون	

الف	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ
۱۲			حدود وظایف (آن‌ها) - (حدود) <u>اختیارات آن‌ها</u> - معین می‌کند				قانون	چگونگی تشکیل این شوراها
۱۳			<u>تصمیمات</u> شوراها				مخالف <u>موازن</u> اسلام - (مخالف) <u>قوانین کشور</u>	
۱۴			انحراف از <u>وظایف</u> قانونی					<u>انحلال</u> شوراها
۱۵			معین می‌کند				قانون	ترتیب <u>انحلال</u> شوراها - طرز <u>تشکیل مجدد</u> آن‌ها
۱۶			حق دارد - شکایت کند	شورا		<u>دادگاه صالح</u>		اعتراض به <u>انحلال</u>
۱۷			موظف است - رسیدگی کند			دادگاه		آن

در زنجیره (الف) یکی از عوامل انسجام بازاری است که از طریق تکرار واژه «برنامه»، اتصال را در نمونه‌های موجود در بندهای ۱، ۲ و ۴ برقرار نموده است. از طرفی واژه «طرح» نیز با برنامه رابطه هم‌معنایی دارد و در نتیجه نمونه‌های موجود از این واژه در بندهای ۶ و ۸ با نمونه‌هایی که به واسطه عامل بازاری منسجم شده‌اند، در یک زنجیره قرار می‌گیرند. در زنجیره (ب) نیز صرفاً دو نمونه وجود دارد که از طریق عنصر بازاری با تکرار واژه «امور» تشکیل شده است.

در زنجیره (پ) نمونه‌های مرتبط موجود در بندهای ۱ و ۲ به دلیل تکرار واژه «مردم» از طریق بازاری به یکدیگر متصل شده‌اند و از طرفی نمونه‌های مرتبط در بندهای ۱۰ و ۱۱ از آنجاکه درصد بیان مصادیق مردم هستند با عنصر شمول معنایی به نمونه‌های بندهای ۱ و ۲ متصل شده‌اند. توضیح آنکه به نظر قانون‌گذار اساسی همان‌طور که از متن اصول فصل هفتم و اصل هفتم قانون اساسی نیز قابل استنباط است، در جهت مردمی‌سازی و مشارکت مردم در امر حکمرانی به نهاد «شورا»

متمسک شده است و سعی داشته است تا تابعان هرگونه قدرت و سلطه را نیز در اعمال قدرت شریک نماید که اگرچه در عرصه‌های مختلف هویت این تابعان متفاوت است؛ از جمله کارگران و دهقانان، اما تمام آن‌ها را می‌توان تحت یک‌کل واحد به نام «مردم» ترسیم نمود.

در زنجیره (ت) در خصوص نوع ارتباط بین عناصر «وظایف» و «اختیارات» که در بندهای ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۲ و ۱۴ نیز تکرار شده‌اند و در نتیجه نمونه‌های مرتبط موجود در این بندها از طریق عامل بازاری به انسجام رسیده‌اند، می‌توان سه‌گونه ارتباط متصور شد. می‌توان نوع این ارتباط را هم‌آیی دانست که در کاربردهای فراوانی و به خصوص در ادبیات حقوقی ترکیب این دو باهم استفاده شده است، از طرفی بایک تفسیر از این دو واژه می‌توان بین آن دو عامل هم‌معنایی را متصور شد و در حقیقت این طور استنباط نمود که هر دو این واژگان برای ترسیم حدود صلاحیت به‌کار می‌روند؛ چراکه صلاحیت، تعیین‌کننده حوزه اقدام و فعالیت اداره است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۲۳۵۵) و اصولاً موضوع صلاحیت در علم حقوق در واقع بحث «تقسیم‌کار» و «تبیین‌وظیفه» است. (علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳) در حقوق اداری نیز گفته می‌شود، صلاحیت، شایستگی و اجازه قانونی است که از طرف قانون به مقام اداری برای مدیریت مطلوب اداره اعطاء می‌شود. (هداوند و مشهدی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

به علاوه از آنجاکه صلاحیت در حقوق عمومی به دو بخش صلاحیت تکلیفی و صلاحیت تخییری تقسیم می‌شود؛ (قطبی، ۱۳۹۷: ۷۸۹) می‌توان با نگرش دقیق به این دو واژه، «وظیفه» را به مثابه صلاحیت تکلیفی دانست، به این بیان که در این مواقع الزام به انجام وجود دارد و عدم انجام تکلیف بامسئولیت مواجه است و در مقابل «اختیار» را ترجمان صلاحیت تخییری دانست؛ به این بیان که برای اعمال آن اختیار وجود داشته باشد. البته صلاحیت تخییری به معنای آزادی کامل و بی‌قید نمی‌باشد، بلکه رعایت اصولی همچون تناسب، انصاف، معقولیت و سایر اصول حقوقی ضروری

است و سوءاستفاده از صلاحیت‌اختیاری نیز مسئولیت به‌دنبال دارد. (هداوند و مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۸) در نتیجه با این نگرش باید این‌دو را اجزاء صلاحیت دانست که در عرض یکدیگر قرار دارند و عامل انسجام بین آن‌ها را تباین معنایی متصور شد. سایر نمونه‌های مرتبط موجود در زنجیره(ت) نیز دودسته هستند. برخی از آن‌ها رابطه‌ی هم‌معنایی با وظایف و اختیارات دارند که شامل «ملزم بودن» در بند ۹، «حق داشتن» در بند ۱۶ و «موظف بودن» در بند ۱۷ می‌باشد. برخی دیگر نیز مصادیق وظایف و اختیارات هستند و با عامل شمول معنایی با این زنجیره منسجم شده‌اند که شامل «اداره» در بند ۱ - خود در برگیرنده عامل حذف است -، «نظارت» در بندهای ۱، ۳ و ۴، «تعیین کردن» در بندهای ۳، ۵، ۹، ۱۲ و ۱۵، «اجرا» در بند ۴، «همکاری» در بندهای ۴ و ۱۰، «هماهنگی» در بند ۱۰، «تهیه کردن» در بند ۶، «پیشنهاد دادن» در بند ۷، «بررسی» در بند ۸، «تصمیم‌گیری» در بندهای ۹ و ۱۳، «شکایت» در بند ۱۶ و «رسیدگی» در بند ۱۷ می‌باشد.

در زنجیره(ت) می‌توان عامل انسجام بین تمام نمونه‌های مرتبط را بازآیی حول محور واژه «شورا» دانست. البته اگر هریک از نمونه‌های مرتبط به صورت کل‌واحد تصور شود و ترکیب اضافی دانسته نشود، عامل انسجام را علاوه بر بازآیی می‌توان شمول معنایی دانست؛ توضیح آنکه براین مبنا با در نظر گرفتن مفهوم «شورا» که در بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۶ تکرار شده است، سایر موارد شامل شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای شهرستان، شورای استان و شورای عالی استان‌ها را باید مصادیق آن دانست. البته در درون بند ۱ نیز می‌توان عامل حذف را نیز در نظر گرفت. در زنجیره(ج) با تکرار عنصر «انتخاب» دو نمونه مرتبط شامل «انتخاب کردن» در بند ۲ و «نحوه انتخاب» در بند ۳ به واسطه عنصر بازآیی و دو نمونه دیگر شامل «انتخاب‌کنندگان» و «انتخاب‌شوندگان» در بند ۳ به عنوان اجزاء فرآیند انتخاب از طریق شمول معنایی در این زنجیره وارد شده‌اند.

پیش از ورود به تحلیل زنجیره (چ) لازم به ذکر است، همان طور که بیان شد مبنای ایجاد نهادشورا، مشارکت مردم در امر حکمرانی بوده است و در نتیجه بایستی مرز دقیق بین صلاحیت مردم و حکومت در موارد مشارکت مشخص گردد. از این روی این زنجیره حول حکومت در عرض مردم است. در این زنجیره برخی واژگان همچون «نظام جمهوری اسلامی ایران» در بند ۳ را می توان هم معنا با «حکومت مرکزی» در بند ۳ دانست و در نتیجه عامل پیوند را هم معنایی دانست. برخی دیگر نیز ویژگی های اصیل حکومت را که بدون آن ها حکومت توانایی اعمال قدرت را نخواهد داشت، بیان می کند از جمله «تمامیت ارضی» و «وحدت ملی» در بند ۳ که رابطه آن با واژه «حکومت» را می توان ارتباط سببی دانست. سایر نمونه های مرتبط در این زنجیره نیز در رابطه شمول معنایی با حکومت هستند؛ چراکه برخی از آن ها مقامات حکومت را عنوان می کنند که شامل «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری» در بند ۹ و «مدیران» در بند ۱۰ می باشد و برخی دیگر ساختارهای موجود در حکومت را شامل «دولت» در بندهای ۷ و ۹، «مجلس شورای اسلامی» در بندهای ۷ و ۸، «دادگاه» در بندهای ۱۶ و ۱۷، «واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی» در بند ۱۰ و «واحدهای آموزشی، اداری و خدماتی» در بند ۱۱ بیان می کنند. به علاوه عبارت «مانند این ها» در بند ۱۱ با عنصر ارجاع به واحدهای آموزشی، اداری و خدماتی متصل شده است.

از آنجاکه قانون گذار اساسی در این فصل در صدد ایجاد نهادی جدید تحت عنوان «شورا» می باشد، هنجارهایی را علاوه بر قانون اساسی ناظر به عملکرد این شورا تعیین می کند. یکی از این هنجارها «قانون» است که در بندهای ۳، ۵، ۱۲، ۱۳ و ۱۵ تکرار شده است و به واسطه عنصر بازآیی، زنجیره (ح) را ایجاد نموده است. به علاوه در بند ۱۳ به «موازین اسلامی» نیز اشاره شده است که هنجار دیگری می باشد. در خصوص رابطه موازین اسلامی و قانون می توان با نگرش نظام مند به کل قانون

اساسی، مستنبط از اصل ۴ قانون اساسی، موازین اسلامی را هنجاری بالاتر از قانون دانست و رابطه بین این دو را شمول معنایی دانست.

در زنجیره (خ) عنصر محوری «تشکیل» می‌باشد که از طریق عنصر بازآیی در بندهای ۴، ۵، ۱۱، ۱۲ و ۱۵ و عنصر حذف در بند ۱۰ ایجاد انسجام نموده است. از طرفی به واسطه رابطه تقابل معنایی، عنصر «انحلال» در بندهای ۱۵ و ۱۶ به این زنجیره متصل شده است. به علاوه ضمیر «آن» در بند ۱۷ نیز با ابزار ارجاع به «انحلال» پیوند خورده است. لازم به ذکر است اگرچه ممکن است در بادی امر این طور به نظر رسد که رابطه تقابل معنایی موجب اتصال زنجیره نمی‌شود، اما اگر عنصر متقابل ترجمان عدم عنصر اصلی دانسته شود، این عمل منطقی می‌نماید؛ به عنوان مثال در این زنجیره با ترجمان انحلال به عدم تشکیل، ابهام رفع می‌گردد.

۱-۴- شناسایی نقاط تعامل و زنجیره‌های متعامل

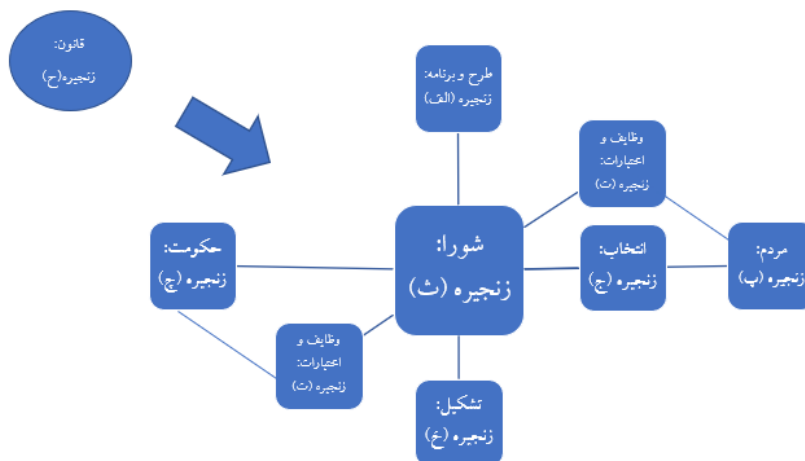
شناسایی نقاط تعامل در نظریه هلیدی و حسن در قالب دستور زبان گذرایی^۱ طرح شده است. دستور زبان گذرایی معنا را شرحی از یک نوع فرآیند، بیان یک واقعیت و یا هر چیز دیگری از دنیای واقعی بیرونی دانسته و برای مشخص نمودن انواع متفاوت فرآیندها در جمله به کار می‌رود. (ایشانی، ۱۳۹۵: ۲۹ و ۳۰)

فرآیندها به لحاظ معنای خود در شش گروه دسته بندی می‌شوند که شامل سه دسته فرآیند اصلی اعم از مادی، ذهنی و ربطی و سه دسته فرآیند فرعی شامل رفتاری، لفظی و وجودی می‌باشند. (امرابی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۷) فرآیند مادی بر انجام کاری یا رخ دادن واقعه‌ای دلالت دارد که می‌تواند دو عامل کنش‌گر و کنش‌پذیر را برای آن متصور بود؛ فرآیند ذهنی بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد که می‌تواند شامل دو عامل مدرک و پدیده باشد؛ فرآیند ربطی بر چگونگی بودن چیزها و پدیدارها اشاره دارد؛ فرآیند

1. Transitivity

رفتاری دربرگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود است، فرآیند لفظی ناظر بر کلام و گفتار است و شامل سه عنصر گوینده، مخاطب و گفته می‌باشد و فرآیند وجودی از هستی یک پدیده سخن می‌گوید. (امرای، ۱۳۹۹: ۲۳-۲۵)

حال باتوجه به فرآیندهای فوق بایستی زنجیره‌ها را مورد تحلیل قرار داد تا در نتیجه زنجیره‌های متعامل مشخص گردد. همان‌طور که عنوان فصل هفتم قانون اساسی گویا می‌باشد، موضوع محوری در متن این فصل «شورا» بوده که زنجیره (ث) حول آن شکل گرفته است. بنابراین در ادامه باید رابطه سایر زنجیره‌ها با این زنجیره مشخص گردد. باتوجه به مبنای ایجاد شورا مبنی بر مشارکت مردم، زنجیره (پ) را می‌توان عامل به وجود آورنده زنجیره (ث) دانست که این امر نیز از طریق انتخاب صورت می‌گیرد که در زنجیره (ج) جلوه‌گر است؛ بنابراین سه زنجیره در تعامل بایکدیگر از طریق فرآیند مادی می‌باشند. به علاوه عکس این رابطه کنشی نیز صادق است که زنجیره (ت) این اتصال را برقرار می‌کند؛ توضیح آنکه شورا نیز در مقابل مردم، وظایف و اختیاراتی دارد که باید به انجام رسانند. از طرفی شورا به عنوان نهاد عدم تمرکز با حکومت مرکزی نیز در تعامل باید باشد و نسبت به آن کنش‌گری و کنش‌پذیری داشته باشد؛ بنابراین زنجیره (چ) نیز از طریق فرآیند مادی به زنجیره (ث) متصل است. حکومت نیز وظایف و اختیاراتی در مورد شوراها دارد که مجدداً بخشی از عناصر زنجیره (ت) جهت اتصال زنجیره (چ) به زنجیره (ث) ایفای نقش می‌نمایند. به علاوه کارکرد شورا را نیز می‌توان تدوین طرح و برنامه دانست که در زنجیره (الف) جلوه دارد و در حقیقت زنجیره (ث) چنین کنشی را ایجاد می‌کند. تشکیل شورا در زنجیره (خ) نیز کنشی است که بر شورا به عنوان کنش‌پذیر صورت می‌گیرد. به علاوه تمام این فرآیندهای مطروحه توسط قانون یعنی زنجیره (ح) تحت کنش است.



۵-۱- محاسبه درجه انسجام متن

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، محاسبه درجه انسجام متن بر اساس نظریه هلیدی و حسن از دو طریق ممکن است. در طریق اول ابتدا بایستی تعداد کل نمونه‌ها را محاسبه نمود، پس از آن با شناسایی عوامل انسجام و تشکیل زنجیره‌ها تعداد نمونه‌های مرتبط را کشف کرد و در نهایت با قرار دادن تعداد کل نمونه‌ها در مخرج کسر و تعداد نمونه‌های مرتبط در صورت کسر، نسبت را محاسبه نمود. باتوجه به مرحله دوم در متن مورد بررسی تعداد کل نمونه‌ها ۱۱۸ می‌باشد و باتوجه به مراحل سوم و چهارم و جدول فوق تعداد نمونه‌های مرتبط ۱۰۵ است که حاصل نسبت آن‌ها ۸۸/۹ درصد است.

طریق دوم محاسبه نیز سنجش نسبت نمونه‌های مرکزی به کل نمونه‌ها می‌باشد و از آنجاکه بنابر مرحله ششم تمام زنجیره‌ها غیر از زنجیره (ب) در تعامل شرکت دارند، تعداد نمونه‌های مرکزی ۱۰۳ بوده و در نتیجه درجه انسجام مبتنی بر طریق دوم، حاصل نسبت ۱۰۳ به ۱۱۸ یعنی ۸۷/۲ درصد می‌باشد.

لازم به ذکر است این محاسبه صرفاً با داده‌های مبتنی بر فصل هفتم قانون اساسی صورت گرفته است و در نتیجه ممکن است این‌گونه تصور شود که حاصل محاسبه مذکور نمی‌تواند پاسخی دقیق به میزان انسجام فصل هفتم قانون اساسی باشد. اما این تصور در هیچ‌کدام از دو طریق محاسبه درجه انسجام، موجب کاهش میزان انسجام نمی‌شود. علت این امر در طریق اول آن است که نمونه‌های موجود در فصل‌های دیگر قانون اساسی موجب کاهش میزان نمونه‌های مرتبط نمی‌شود. توضیح آنکه همان‌طور که بیان شد هر نمونه با اتصال به یک نمونه دیگر یک زنجیره را تشکیل می‌دهند که اگرچه زنجیره محدودیتی ندارد و ممکن است توسعه یابد، اما با حداقل دو نمونه تشکیل می‌شود و بر نمونه‌های حاضر در هر زنجیره می‌توان نمونه مرتبط را اطلاق نمود. در نتیجه داده‌های بیش‌تر اگرچه ممکن است موجب افزایش تعداد نمونه‌های مرتبط شوند، اما موجب کاهش آن‌ها نمی‌شوند. مبتنی بر طریق دوم نیز سبب آن است که تمام زنجیره‌های متعامل در این فصل را می‌توان در تعامل با سایر زنجیره‌های قانون اساسی دانست و در نتیجه نمونه‌های مرکزی نیز کاهش نخواهد داشت. برای اثبات این نکته با یک نگرش حداقلی کافی است یک نمونه منسجم با هریک از زنجیره‌ها کشف نمود که با توجه به تبیین پیشین از زنجیره‌های موجود در فصل هفتم قانون اساسی، نیازی به ارائه مجدد وجود ندارد.

در پایان این محاسبه بایستی در مقام نقد به رغم وجود میزان مطلوب درصد انسجام در متن فصل هفتم قانون اساسی به چالش‌های عمده موجود در تفسیر قانون اساسی حول نهاد شورا اشاره کرد. (ر.ک. رستمی و حسینی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۱-۶۰) بنابراین به نظر الگوی هلیدی و حسن در محاسبه میزان انسجام صرفاً در یک دایره معنایی محدود قابل بهره‌برداری است، چرا که مبتنی بر واحدهای بسیار کوچک تحت عنوان نمونه طرح شده است که استفاده از آن در متون وسیع نامطلوب است. زیرا ممکن است در نهایت محاسبه بر اساس این الگو بر مفهوم انسجام منطبق نباشد. از همین

روی نیز در این پژوهش صرفاً یک فصل از قانون اساسی جهت فهم روش و بهره‌برداری از نقاط مطلوب آن مورد بررسی قرار گرفت. فارغ از نقد مذکور، همان طور که از مطالعه موردی این روش در قانون اساسی حاصل شد، ابزارهای مطلوبی جهت تفسیر قانون اساسی قابل استنباط است. از جمله آنکه مبتنی بر آن می‌توان عناصر محوری در متن را یافت و تفسیر را مبتنی بر آن‌ها ارائه داد و یا آنکه تعامل زنجیره‌ها و تحلیل فرآیند بین آن‌ها خود می‌تواند تفسیر منطقی‌تری را حاصل نماید.

۲- بر اساس مدل تحلیل موضوع بنیاد

این رویکرد در سال ۱۹۹۸ توسط واتسون تاد^۱ پدید آمده است که بر اساس آن مفاهیم کلیدی در متن شناسایی و روابط میان آن‌ها در قالب انگاره‌ای سلسله‌مراتبی ترسیم می‌شود؛ سپس متن مورد تحلیل بر روی این ساختار سلسله‌مراتبی منطبق می‌شود. (Todd, ۱۹۹۸: ۳۰۳) برای ارتباط بین مفاهیم کلیدی از دو رابطه استفاده می‌شود؛ نخستین و مهم‌ترین آن‌ها، رابطه شمول مک‌کارتی^۲ است که در بردارنده روابطی مانند شمول معنایی، جزء-کلی، مالک-مملوک و ویژگی شیئی است. رابطه دوم نیز رابطه علت-معلولی است. از آنجا که رابطه شمول مستلزم داشتن رابطه پایین‌رده-بالارده‌ای است، بنابراین نوعی سلسله‌مراتب را می‌سازد. اما در رابطه علت-معلولی، علت و معلول هم‌سطح بایکدیگر قرار می‌گیرند و هیچ‌کدام در جایگاه بالاتری نسبت به دیگری قرار نمی‌گیرند. (گلشائی، ۱۳۹۲: ۴۳) به منظور سنجش میزان انسجام متن بر اساس این مدل باید پنج مرحله ناظر به متن قانون اساسی پی‌گرفته شود که در ادامه به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد:

1. Watson Todd
2. McCarthy

۲-۱- آماده‌سازی متن برای تحلیل

پیش از تحلیل متن، لازم است که متن به این منظور آماده شود. از همین روی در قدم اول متن به واحدهایی تقسیم می‌شوند که واحد تی^۱ نامیده می‌شوند و هر واحد تی شامل یک بند مستقل به همراه تمام بندهای وابسته به آن می‌باشد. (others & Todd, ۲۰۰۴: ۹۰) واتسون تاد به این علت از واحد تی استفاده نمود که متن مورد تحلیل وی حاصل نگارش زبان آموزان انگلیسی بود که در برخی موارد از نقطه و علائم نگارشی استفاده نکرده بودند؛ اما در پژوهش حاضر که متن مورد مطالعه قانون اساسی می‌باشد که خود همچون تمام قوانین شامل بندهای جدا می‌باشد که در این قانون، «اصل» نامیده می‌شود؛ نیازی به استفاده از واحد تی نمی‌باشد و در نتیجه در تحلیل متن مورد نظر ۱۷۷ واحد وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۲- شناسایی مفاهیم کلیدی

طبق تعریف واتسون تاد، هر مفهوم سازه روان‌شناختی است که چیزی را در جهان خارج بازنمایی می‌کند؛ در نتیجه شناسایی مفاهیم کلیدی ضروری به نظر می‌رسد. به این منظور واتسون تاد، دو اصل را برای شناسایی مفاهیم کلیدی مدنظر قرار داده است: نخست آنکه مفاهیم کلیدی پربسامند و حداقل دو بار تکرار شده‌اند و دوم آنکه مفاهیم کلیدی دارای برجستگی هستند که شامل مفاهیم موجود در عناوین و عبارات برجسته شده در متن است. (گلشائی، ۱۳۹۲: ۴۴ و ۴۵)

در متن قانون اساسی با توجه به اصل اخیر مطرح شده در شناسایی مفاهیم کلیدی، مهم‌ترین این مفاهیم ۱۴ عنوان مربوط به فصول ۱۴گانه و ۴ عنوان مربوط به مباحث فصول ششم و نهم قانون اساسی می‌باشد. به علاوه برای هر کدام از ۱۷۷ اصل قانون اساسی نیز می‌توان به صورت زیر یک مفهوم کلیدی کشف نمود:

شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی
۱	جمهوری اسلامی	۳۷	برائت	۷۳	شرح و تفسیر قوانین عادی	۱۰۹	شرایط و صفات رهبر	۱۴۵	منوعیت عضویت خارجیان در ارتش و نیروهای انتظامی کشور
۲	پایه‌های نظام	۲۸	ممنوعیت شکنجه و اجبار شخص به اقرار، شهادت یا سوگند	۷۴	لایحه و طرح قانونی	۱۱۰	وظایف و اختیارات رهبر	۱۴۶	ممنوعیت استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی در کشور
۳	وظایف دولت	۳۹	ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت	۷۵	ممنوعیت ایجاد بار مالی توسط نمایندگان	۱۱۱	برکناری رهبر	۱۴۷	استفاده از افراد و تجهیزات فنی ارتش در زمان صلح
۴	موازین اسلامی	۴۰	منع اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی	۷۶	حق تحقیق و تفحص	۱۱۲	مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۴۸	ممنوعیت بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش
۵	ولایت فقیه	۴۱	حق تابعیت ایرانیان	۷۷	معاهدات بین‌المللی	۱۱۳	عالی‌ترین مقام رسمی کشور	۱۴۹	ترقیع و سلب درجه نظامیان
۶	آراء عمومی	۴۲	اعطای تابعیت ایرانی به اتباع خارجی	۷۸	تغییر در خطوط مرزی	۱۱۴	مدت ریاست جمهوری	۱۵۰	جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۷	شورا	۴۳	ضوابط حاکم بر نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران	۷۹	وضع الزامات حقوقی در شرایط اضطراری	۱۱۵	شرایط داوطلبان ریاست جمهوری	۱۵۱	آمادگی نظامی و آموزش نظامی همگانی

شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	
۸	امر به معروف و نهی از منکر	۴۴	بخش‌های مختلف نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران	۸۰	وام یا کمک‌های بدون دولت	۱۱۶	اعلام آمادگی نامزدهای ریاست جمهوری	۱۵۲	اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۹	آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور	۴۵	انفال و ثروت‌های عمومی	۸۱	امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجیان	۱۱۷	نحوه انتخاب رئیس جمهور	۱۵۳	ممنوعیت انعقاد قرارداد موجب سلطه بیگانه
۱۰	خانواده	۴۶	مالکیت افراد نسبت به حاصل کسب و کار	۸۲	استخدام کارشناسان خارجی	۱۱۸	نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری	۱۵۴	حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در هر نقطه از جهان
۱۱	امت اسلامی	۴۷	مالکیت شخصی	۸۳	بناها و اموال دولتی جزء نفایس ملی	۱۱۹	زمان انتخابات ریاست جمهوری	۱۵۵	اعطای پناهندگی سیاسی
۱۲	دین و مذهب رسمی	۴۸	منوعیت تبعیض	۸۴	مسئولیت هر نماینده	۱۲۰	تمدید مهلت انتخابات ریاست جمهوری	۱۵۶	وظایف قوه قضائیه
۱۳	اقلیت‌های دینی	۴۹	مقابله با ثروت‌های نامشروع	۸۵	قائم به شخص بودن سمت نمایندگی	۱۲۱	سوگند رئیس جمهور	۱۵۷	رئیس قوه قضائیه
۱۴	افراد غیر مسلمان	۵۰	حفاظت محیط زیست	۸۶	آزادی نمایندگان در اظهار نظر و رأی	۱۲۲	مسئولیت رئیس جمهور	۱۵۸	وظایف رئیس قوه قضائیه

شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی
۱۵	زبان و خط رسمی	۵۱	قانونی بودن مالیات‌ها	۸۷	رأی اعتماد به هیأت وزیران	۱۲۳	امضای مصوبات مجلس و نتیجه همه‌پرسی به وسیله رئیس‌جمهور	۱۵۹	دادگستری، مرجع رسمی تظلمات و شکایات
۱۶	زبان عربی	۵۲	وضع بودجه	۸۸	سؤال	۱۲۴	معاونین رئیس‌جمهور	۱۶۰	وظایف وزیر دادگستری و نحوه انتخاب وی
۱۷	تاریخ رسمی کشور	۵۳	خزانه	۸۹	استيضاح	۱۲۵	امضای معاهدات بین‌المللی توسط رئیس‌جمهور	۱۶۱	دیوان عالی کشور
۱۸	پرچم رسمی	۵۴	جایگاه دیوان محاسبات کشور	۹۰	رسیدگی به شکایات مردم از طرز کار قوای سه‌گانه	۱۲۶	مسئولیت رئیس‌جمهور در امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدای کشور	۱۶۲	شرایط و نحوه انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل
۱۹	حقوق مساوی	۵۵	صلاحیت دیوان محاسبات کشور	۹۱	شورای نگهبان	۱۲۷	نماینده ویژه رئیس‌جمهور	۱۶۳	صفات و شرایط قاضی
۲۰	تساوی در برابر قانون	۵۶	حق حاکمیت الهی و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش	۹۲	اعضای شورای نگهبان	۱۲۸	تعیین سفرا	۱۶۴	انفصال یا تغییر محل خدمت و سمت قاضی
۲۱	حقوق زن	۵۷	قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران	۹۳	عدم اعتبار قانونی مجلس بدون وجود شورای نگهبان	۱۲۹	اعطای نشان‌های دولتی توسط رئیس‌جمهور	۱۶۵	علنی بودن محاکمات

شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی
۲۲	مصونیت از تعرض	۵۸	قوه مقننه	۹۴	بررسی مصوبات توسط شورای نگهبان	۱۴۰	استعفای رئیس جمهور	۱۶۶	مستند و مستدل بودن احکام دادگاهها
۲۳	ممنوعیت تفتیش عقاید	۵۹	آراء عمومی	۹۵	مهلت بررسی شورای نگهبان	۱۳۱	برکناری رئیس جمهور	۱۶۷	تکلیف قاضی به رسیدگی و صدور حکم
۲۴	آزادی مطبوعات	۶۰	قوه مجریه	۹۶	نصاب تصویب نظرات شورای نگهبان	۱۳۲	ممنوعیت اعمال برخی صلاحیتها در دوره عدم وجود رئیس جمهور	۱۶۸	رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی
۲۵	ممنوعیت تجسس	۶۱	قوه قضائیه	۹۷	حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس	۱۳۳	صلاحیت رئیس جمهور در تعیین وزراء	۱۶۹	عطف به ما سبق نشدن قوانین در تعیین جرایم
۲۶	آزادی احزاب و تشکلها	۶۲	مجلس شورای اسلامی	۹۸	تفسیر قانون اساسی	۱۳۴	هیأت وزیران	۱۷۰	تکلیف قضات به خودداری از اجرای تصویب نامهها و آیین نامههای دولتی مخالف با احکام اسلام و خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه
۲۷	آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیماییها	۶۳	دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی	۹۹	صلاحیت نظارتی شورای نگهبان	۱۳۵	استعفای هیأت وزیران یا هریک از وزراء	۱۷۱	لزوم جبران خسارت افراد در موارد تقصیر یا اشتباه قاضی

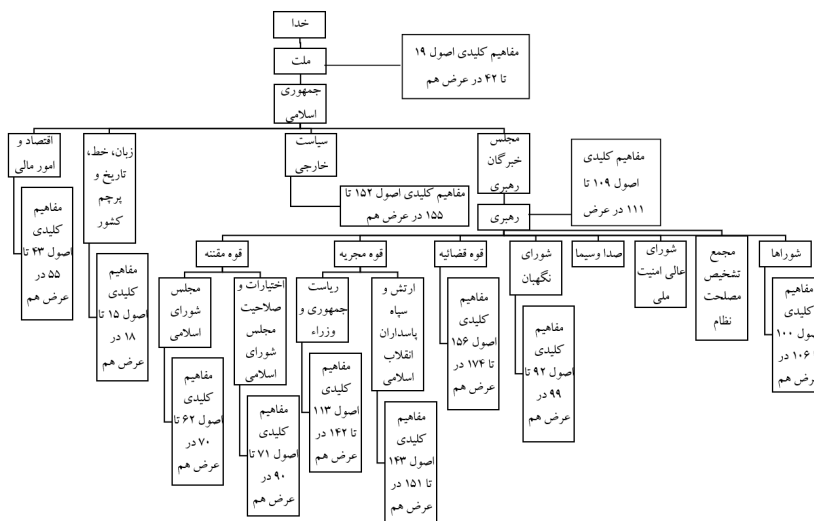
شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی
۲۸	حق شغل	۶۴	عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۱۰۰	شورا	۱۳۶	عزل وزراء توسط رئیس‌جمهور	۱۷۲	محاكم نظامی
۲۹	حق تأمین اجتماعی	۶۵	نصاب جلسات مجلس شورای اسلامی	۱۰۱	شورای عالی استان‌ها	۱۳۷	مسئولیت وزرا	۱۷۳	دیوان عدالت اداری
۳۰	آموزش و پرورش رایگان	۶۶	آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی	۱۰۲	صلاحیت شوراي عالی استان‌ها در ارائه پیشنهاد قانونگذاری	۱۳۸	صلاحیت هیأت وزیران و وزراء در وضع مقررات	۱۷۴	سازمان بازرسی کل کشور
۳۱	حق مسکن	۶۷	سوگند نمایندگان مجلس شورای اسلامی	۱۰۳	لازم‌الرعایه بودن تصمیمات شوراها	۱۳۹	ضوابط صلح دعاوي راجع به اموال عمومي و دولتي یا ارجاع آن به داوري	۱۷۵	صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۳۲	ممنوعیت بازداشت غیرقانونی	۶۸	توقف انتخابات مجلس شورای اسلامی	۱۰۴	شوراها در واحدهاي توليدي، صنعتي، کشاورزي، آموزشي، اداري، خدماتي و ...	۱۴۰	رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزراء	۱۷۶	شورای عالی امنیت ملی
۳۳	ممنوعیت تبعید و اقامت اجباری به صورت غیرقانونی	۶۹	مذاکرات مجلس شورای اسلامی	۱۰۵	لزوم مخالف نبودن تصمیمات شوراها با موازین اسلام وقوانین کشور	۱۴۱	ممنوعیت داشتن بیش از يك شغل دولتي	۱۷۷	بازنگری در قانون اساسی

شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی	شماره اصل	مفاهیم کلیدی
-	رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور و وزراء	۱۴۲	اتحلال شوراها	۱۰۶	حق شرکت در جلسات مجلس	۷۰	حق دادخواهی	۳۴	
-	جایگاه ارتش جمهوری اسلامی ایران	۱۴۳	رهبری	۱۰۷	صلاحیت مجلس در وضع قانون	۷۱	حق انتخاب وکیل در دادگاه	۳۵	
-	ارتش مکتبی و مردمی	۱۴۴	مجلس خبرگان رهبری	۱۰۸	ممنوعیت مجلس در وضع قوانین مغایر با احکام اسلامی یا قانون اساسی	۷۲	قانونی بودن مجازات‌ها	۳۶	

۳-۲- شناسایی روابط میان مفاهیم کلیدی و اتصال آن‌ها به یکدیگر

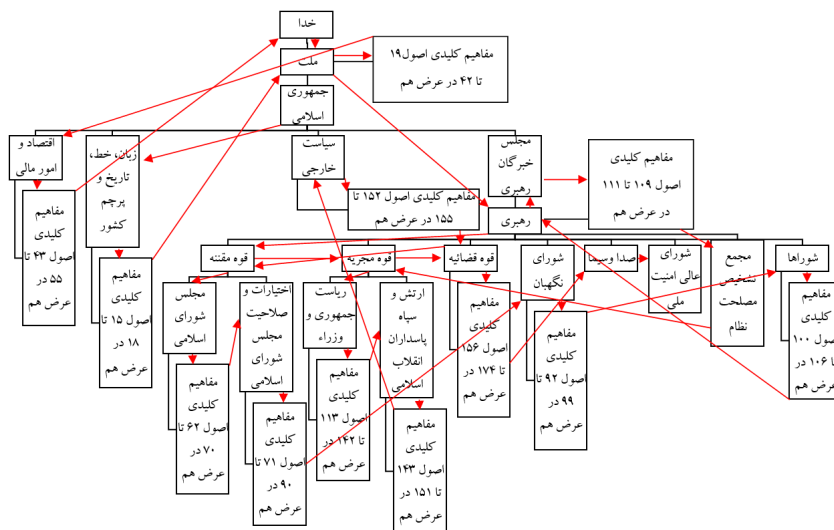
پس از شناسایی مفاهیم کلیدی به منظور انجام تحلیل موضوع بنیاد بایستی نوع ارتباط این مفاهیم بایکدیگر و فاصله بین این مفاهیم نیز شناسایی شود. دو رابطه در این خصوص قابل استفاده می‌باشد که عبارت است از رابطه شمول مک‌کارتی و رابطه علت و معلولی که پیش از این شرح داده شد. پس از کشف رابطه‌ها بایستی با ترکیب آن‌ها بایکدیگر شمای کلی از اتصال مفاهیم کلیدی در متن به نمایش گذاشته شود. لازم به ذکر است مفاهیمی که با رابطه شمول بایکدیگر متصل می‌شوند در طول یکدیگر قرار می‌گیرند و یک سلسله مراتب ایجاد می‌کنند؛ اما مفاهیمی که با رابطه علت و معلولی اتصال می‌یابند در عرض یکدیگر قرار می‌گیرند. (others & Todd, ۲۰۰۴: ۹۲) در ادامه این اتصالات در مورد قانون اساسی رسم می‌گردد. از آنجاکه فصل اول قانون اساسی تحت عنوان «اصول کلی» واقع شده است و برخی از اعضاء مجلس بررسی نهائی قانون اساسی نیز هدف از

نگارش اصول این فصل را ارائه فهرست مختصری از مباحث اصول آینده قانون اساسی دانسته‌اند؛ (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج: ۱: ۲۷۸) به نظر در نظام موضوعات و نمودار سلسله مراتبی جایگاهی ندارد، لذا در نمودار رسم نشده است. از طرفی مفهوم کلیدی اصل ۱۷۷ یعنی بازنگری قانون اساسی نیز چون مربوط به فرآیند اصلاح خود این هنجار است، به نظر در نظام موضوعات آن نقشی ندارد.



۲-۴- انطباق گفتمان بر نمودار

پس از نمایش اتصالات در قالب نمودار بایستی گفتمان و سیر متن را بر آن منطبق نمود. (others & Todd, ۲۰۰۴: ۹۲) به عبارت دیگر در این مرحله از اولین مفهوم کلیدی موجود در نمودار بایستی شروع به حرکت نمود و تا آخرین مفهوم کلیدی موجود در نمودار حرکت را ادامه داد. حرکت بین مفاهیم با جهت نما نمایش داده خواهد شد. لازم به ذکر است از آنجاکه اصول پیوسته به یکدیگر بدون ذکر جزئیات در یک کادر نمایش داده شده است، حرکت‌های داخلی آن نمود نخواهد داشت.



۵-۲- اندازه‌گیری میزان انسجام

بنابر روش تحلیل موضوع بنیاد، پس از انجام مراحل اولیه که در فوق به صورت مصادیقی ناظر به قانون اساسی صورت گرفت، می‌توان از سه روش برای محاسبه انسجام متن بهره برد:

۱. میانگین فاصله حرکت‌ها در متن: برای استفاده از این روش ابتدا بایستی فاصله حرکت‌ها در متن را محاسبه کرد. بنابر نظریه تحلیل موضوع بنیاد، فاصله با در نظر گرفتن اتصالات موجود محاسبه می‌شود؛ به این صورت که اگر بین دو مفهوم که حرکتی صورت گرفته است، اتصال وجود داشته باشد، فاصله آن (۱) خواهد بود و اگر اتصالی وجود نداشته باشد، باید محاسبه شود که به واسطه حداقل چه تعداد اتصال، آن دو مفهوم به یکدیگر مربوط می‌شوند؛ تعداد محاسبه شده، میزان فاصله خواهد بود. هرچه میزان میانگین فاصله‌ها کم‌تر باشد و به عبارت دیگر به (۱) نزدیک‌تر باشد، انسجام متن بیشتر است. (others & Todd, ۲۰۰۴: ۹۴)

حال در متن قانون اساسی که مراحل پیشینی در مورد آن اعمال شد، همان طور که از نمودار نیز برمی‌آید به ترتیب از راست، میزان فاصله‌ها به این صورت خواهد بود:

$$\begin{aligned} & 1-1-(2) \times (2) - 1-3-3 \times (2) - 1-3-23 \times (2) - 1-3-12 \times (2) - 1-4-1-3-1-1-1-(2) \times \\ & 1-2-2-2 \times (2) - 2-1-2-6 \times (2) - 1-3-7 \times (2) - 1-4-19 \times (2) - 1-3-8 \\ & 2-3-18 \times (2) - 1-5-3 \times (2) - 1-6-8 \times (2) - 1-3-29 \times (2) - 1-1- \end{aligned}$$

مجموع این فواصل ۳۴۳ و مجموع تعداد حرکت‌ها ۱۷۱ می‌باشد و در نتیجه میانگین فواصل عبارت است از ۲/۰۰۵. از آنجا که طبق نظریه تحلیل موضوع بنیاد حداکثر فاصله مطلوب (۳) می‌باشد که این نکته اساس روش بعدی را نیز تشکیل می‌دهد و از طرفی حداقل فاصله (۱) است؛ می‌توان بنابر محاسبات ریاضی نسبت اختلاف عدد حاصل با یک را به فاصله حداقل با حداکثر سنجد و درصد انسجام را محاسبه کرد. باتوجه به داده‌های حاصل شده باید نسبت ۱/۰۰۵ را به ۲ محاسبه کرد و در نتیجه‌ی این محاسبه، میزان انسجام متن ۵۰/۲۵ درصد خواهد بود.

۲. درصد شکست انسجام حرکات: طبق این نظریه شکست زمانی رخ می‌دهد

که فاصله حرکت بیش از (۳) باشد. پس از محاسبه شکست‌ها می‌توان تعداد آن را نسبت به تعداد کل حرکت‌ها محاسبه نمود و در نتیجه میزان خلأ انسجام حاصل می‌شود. (others & Todd, ۲۰۰۴: ۹۴) کسر نسبت حاصل از یک، میزان انسجام طبق این نظریه را نشان خواهد داد. در متن قانون اساسی بنابر داده‌های فوق ۱۱ شکست رخ داده است که نسبت آن به تعداد کل حرکت‌ها عبارت از ۶/۴۳ درصد می‌باشد و در نتیجه میزان انسجام متن ۹۳/۵۷ درصد خواهد بود.

علاوه بر بهره‌ای که می‌توان در محاسبه کمی انسجام قانون اساسی از این روش برداشت نمود، تحلیل هرکدام از شکست‌های موجود در متن قانون اساسی نیز در جهت اصلاح قانون اساسی ثمر دارد. بررسی شکست‌های یازده‌گانه فوق نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار اساسی در چپ‌نش فصل‌های مختلف در کنار یک‌دیگر دقت لازم را از جهت

انسجام متن ننموده است؛ چراکه شکست‌های موجود در ناحیه حرکت از فصل به فصل دیگری رخ داده است. به عنوان مثال بیشترین شکست که به میزان (۶) می‌باشد، در حرکت از مفهوم کلیدی اصل ۱۵۱ به فصل سیاست خارجی رخ داده است، به این علت که قانون‌گذار پس از بیان فصلی ناظر به ساختار، به ناگهان به فصلی ناظر به اعمال حکومت حرکت کرده است. در نتیجه لازم است به انسجام بین فصل‌ها در بازنگری قانون اساسی توجه شود.

۳. تعداد حرکت‌ها در هر ۱۰ واحد تی؛ هرچه تعداد حرکت‌ها میان مفاهیم کلیدی

کم‌تر باشد، متن راحت‌تر خوانده می‌شود. (others & Todd, ۲۰۰۴: ۹۴) اگرچه با توجه به تعداد اصول قانون اساسی و مطالب پیشین، ۱۷۷ واحد در متن قانون اساسی وجود دارد، اما از آنجاکه فصل اول و اصل آخر از تحلیل خارج شدند، برای محاسبه بایستی ۱۶۲ واحد را در نظر گرفت و از طرفی طبق داده‌های فوق میان این ۱۶۲ واحد، ۱۷۱ حرکت رخ داده است و در نتیجه با استفاده از محاسبات ریاضی و مبحث تناسب، در متن قانون اساسی به طور میانگین در هر ۱۰ واحد، ۱۰/۵ حرکت وجود دارد. طبق این روش اگرچه نمی‌توان کمیته مستقل که دلالت بر میزان انسجام داشته باشد، ارائه داد؛ اما جهت مقایسه میزان انسجام متن قانون اساسی با سایر متون کارا می‌باشد.

۳- براساس نظریه کانونی

نظریه کانونی در صدد ارائه مدلی برای محاسبه انسجام متن می‌باشد که مبتنی بر کانون‌های موجود در متن ارائه شده است. به عبارت دیگر طبق این نظریه، انسجام متن از طریق ارتباط بین مراکز موجود در متن به وجود می‌آید. (others & Grosz, ۱۹۹۵: ۲۰۵) بنابراین نظریه متن ابتدا باید به قسمت‌های مختلف تحت عنوان «گفته»^۱ تقسیم شود

1. utterance

که لزوماً معادل «جمله»^۱ نمی‌باشد. (others & Grosz, ۱۹۹۵: ۲۱۰) باتوجه به متن قانون اساسی که از اصول مختلف تشکیل شده است، به نظر هر اصل را باید یک «گفته» در نظر گرفت و در هر کدام از آن‌ها یک کانون به عنوان مرکز انتخاب نمود. بنابر مقاله کیبل و پاور^۲ مفروضات اصلی این نظریه عبارت‌اند از:

۱. برای هر «گفته» در متن یک مرکز یا کانون وجود دارد. اگر کانون یک گفته در گفته‌های بعد از آن نیز تکرار شود، به آن کانون پس‌رو می‌گویند که نشان‌دهنده انسجام بیش‌تر در متن است.

۲. گفته‌های متوالی ترجیح می‌دهند که کانون‌های مشترک داشته باشند که این مهم «اصل انسجام» نامیده می‌شود. از طرفی این ترجیح وجود دارد که کانون به صورت فاعل دستوری یا اصطلاحاً کانون ترجیحی ظهور پیدا کند که به این مهم نیز «اصل برجستگی» گویند.

۳. کانون عنصری است که احتمال ضمیرسازی از آن بیشتر است.

باتوجه به مفروضات فوق در مقاله پیش‌گفته، از رهگذر طراحی چهار حالت مختلف ناظر به تغییر کانون‌ها؛ میزان انسجام متن قابل محاسبه است. این چهار حالت عبارت‌اند از:

ادامه کانون: در این حالت هر دو اصل انسجام و برجستگی وجود دارد. به عبارت دیگر در حرکت از یک گفته به گفته دیگر، ضمن حفظ کانون پیشین، آن کانون در جایگاه فاعل قرار گرفته است.

حفظ کانون: در این حالت فقط اصل انسجام وجود دارد. به عبارت دیگر اگرچه کانون پیشین حفظ شده است؛ اما در جایگاه فاعل قرار نگرفته است.

1. sentence

2. Kibble, R. & R. Power (1999). "Using centering theory to plan coherent texts." Proceedings of the 12th Amsterdam Colloquium, 187-192.

شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز
۹	جمهوری اسلامی	۲	۱۱۷	رئیس جمهور	۴	۸۱	امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات	۲	۴۵	انفال و ثروت‌های عمومی	۲
۱۰	خانواده	۲	۱۱۸	ریاست جمهوری	۳	۸۲	مجلس شورای اسلامی	۱	۴۶	مالکیت	۱
۱۱	امت	۱	۱۱۹	رئیس جمهور	۴	۸۳	مجلس شورای اسلامی	۳	۴۷	مالکیت	۴
۱۲	دین	۲	۱۲۰	انتخابات (ریاست جمهوری)	۲	۸۴	هر نماینده	۱	۴۸	تبعیض	۱
۱۳	دین	۳	۱۲۱	رئیس جمهور	۲	۸۵	مجلس	۲	۴۹	ثروت‌های نامشروع	۱
۱۴	افراد غیر مسلمان	۱	۱۲۲	رئیس جمهور	۴	۸۶	مجلس	۴	۵۰	حفاظت محیط زیست	۲
۱۵	زبان و خط رسمی	۲	۱۲۳	رئیس جمهور	۴	۸۷	مجلس	۳	۵۱	مالیات	۲
۱۶	زبان عربی	۱	۱۲۴	رئیس جمهور	۴	۸۸	مجلس شورای اسلامی	۴	۵۲	بودجه	۲
۱۷	مبدأ تاریخ رسمی کشور	۲	۱۲۵	رئیس جمهور	۳	۸۹	مجلس شورای اسلامی	۴	۵۳	خزانه	۱
۱۸	پرچم رسمی	۲	۱۲۶	رئیس جمهور	۴	۹۰	مجلس شورای اسلامی	۳	۵۴	دیوان محاسبات کشور	۲

شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز
۱۶۳	قاضی	۲	۱۲۷	رئیس جمهور	۴	۹۱	شورای نگهبان	۱	۵۵	دیوان محاسبات کشور	۴	۲	مردم ایران	۱۹
۱۶۴	قاضی	۴	۱۲۸	رئیس جمهور	۳	۹۲	شورای نگهبان	۴	۵۶	حاکمیت الهی	۱	۴	همه افراد ملت	۲۰
۱۶۵	محاکمات	۲	۱۲۹	رئیس جمهور	۳	۹۳	شورای نگهبان	۳	۵۷	قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران	۲	۱	حقوق زن	۲۱
۱۶۶	دادگاه‌ها	۲	۱۳۰	رئیس جمهور	۴	۹۴	شورای نگهبان	۳	۵۸	اعمال قوه مقننه	۲	۲	حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص	۲۲
۱۶۷	قاضی	۲	۱۳۱	رئیس جمهور	۳	۹۵	شورای نگهبان	۴	۵۹	اعمال قوه مقننه	۴	۲	تفتیش عقاید	۲۳
۱۶۸	جرایم سیاسی و مطبوعاتی	۱	۱۳۲	رئیس جمهور	۳	۹۶	شورای نگهبان	۳	۶۰	اعمال قوه مجریه	۲	۲	مطبوعات	۲۴
۱۶۹	جرم	۳	۱۳۳	رئیس جمهور	۳	۹۷	شورای نگهبان	۴	۶۱	اعمال قوه قضائیه	۲	۲	تجسس	۲۵
۱۷۰	قضات	۲	۱۳۴	هیئت وزیران	۲	۹۸	شورای نگهبان	۳	۶۲	مجلس شورای اسلامی	۲	۲	احزاب و تشکل‌ها	۲۶
۱۷۱	قاضی	۴	۱۳۵	وزرا	۴	۹۹	شورای نگهبان	۴	۶۳	مجلس شورای اسلامی	۳	۲	اجتماعات و راهبیمایی‌ها	۲۷
۱۷۲	محاکم نظامی	۲	۱۳۶	وزرا	۳	۱۰۰	شورا	۱	۶۴	مجلس شورای اسلامی	۳	۱	شغل	۲۸

شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز	شماره اصل	کانون	امتیاز
۲۹	تأمین اجتماعی	۱	۱۳۷	وزیران	۴	۱۰۱	شورای عالی استان‌ها	۳	۶۵	مجلس شورای اسلامی	۳
۳۰	آموزش و پرورش رایگان	۱	۱۳۸	هیئت وزیران یا وزیر	۴	۱۰۲	شورای عالی استان‌ها	۳	۶۶	مجلس	۳
۳۱	مسکن	۲	۱۳۹	هیئت وزیران	۳	۱۰۳	شوراها	۳	۶۷	مجلس	۳
۳۲	بازداشت	۱	۱۴۰	رئیس‌جمهور و معاونان او و وزراء	۳	۱۰۴	شوراها	۳	۶۸	مجلس	۳
۳۳	محل اقامت	۱	۱۴۱	رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت	۴	۱۰۵	شوراها	۳	۶۹	مجلس شورای اسلامی	۳
۳۴	دادخواهی	۲	۱۴۲	رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان	۴	۱۰۶	شوراها	۳	۷۰	مجلس	۳
۳۵	وکیل	۱	۱۴۳	ارتش جمهوری اسلامی ایران	۲	۱۰۷	رهبر	۴	۷۱	مجلس شورای اسلامی	۴
۳۶	مجازات	۱	۱۴۴	ارتش جمهوری اسلامی ایران	۴	۱۰۸	مجلس خبرگان رهبری	۴	۷۲	مجلس شورای اسلامی	۴

تغییر ملایم کانون: در این حالت فقط اصل برجستگی وجود دارد. به عبارت دیگر اگرچه کانون پیشین حفظ نشده است؛ اما کانون جدید در جایگاه فاعل ظهور پیدا کرده است.

تغییر شدید کانون: در این حالت هیچ کدام از دو اصل انسجام و برجستگی وجود ندارد. به عبارت دیگر علاوه بر آنکه کانون پیشین حفظ نشده است، کانون جدید نیز در جایگاه فاعل قرار نگرفته است.

تبدیل داده‌های این نظریه به کمیّت نیز به این صورت می‌باشد که ابتدا به هر کدام از حالت‌های مختلف امتیازی تعلق می‌گیرد؛ به این شرح که به حالت ادامه کانون امتیاز (۴)، به حالت حفظ کانون امتیاز (۳)، به حالت تغییر ملایم کانون امتیاز (۲)، به حالت تغییر شدید کانون امتیاز (۱) و به حالت فاقد کانون امتیاز (۰) تعلق می‌گیرد. Kibble (Power & ۱۹۹۹: ۱۸۹) پس از امتیاز دهی به هر «گفته» بایستی امتیازات جمع گردد و با حاصل ضرب تعداد گفته‌ها منهای یک در عدد (۴) که مطلوب‌ترین حالت انسجام است، نسبت سنجی شود.

در ادامه در جدول زیر ضمن کشف کانون در هر گفته که در متن قانون اساسی در قالب اصل‌های مجزا بیان شده است، باتوجه به بند پیشین، امتیاز هر کدام نیز طبق نظریه حاضر اختصاص داده می‌شود.

باتوجه به جدول فوق و دستورالعمل محاسبه انسجام در نظریه کانونی، بایستی امتیازات اعطاء شده به هر کدام از گفته‌ها را جمع نمود که مجموع آن ۳۴۲ می‌شود. از طرفی در حالت مطلوب، امتیاز انسجام متن قانون اساسی با اعطاء امتیاز (۴) به هر گفته غیر از اولین گفته، ۷۰۴ شود. در نتیجه با نسبت سنجی ۳۴۲ به ۷۰۴، میزان انسجام متن قانون اساسی مطابق با نظریه کانونی ۴۸/۵۷ درصد خواهد بود.

لازم به ذکر است در این روش نسبت به روش پیشین یعنی تحلیل موضوع بنیاد، پابیندی بیشتری به الفاظ وجود دارد، چراکه مفهومی خارج از متن، هر چند نزدیک به

مفهوم اصل، نمی‌تواند به عنوان کانون واقع شود. از طرفی حتی نسبت به نظریه انسجام هلیدی و حسن نیز این پایبندی بیشتر است، چراکه در آن نظریه، همان‌طور که اشاره شد، عنصری به عنوان حذف وجود دارد که در این نظریه معتبر نیست و از همین روی حاصل میزان انسجام طبق این نظریه، کم‌تر می‌باشد. نمونه بارز این نکته را می‌توان در حرکت از اصل ۱۱۹ به اصل ۱۲۰ و سپس از اصل ۱۲۰ به اصل ۱۲۱ مشاهده نمود که کانون گفته پیش و پس از اصل ۱۲۰ «رئیس جمهور» بوده و از طرفی خود اصل ۱۲۰ نیز حول رئیس جمهور شکل گرفته است؛ اما چون در متن چنین لفظی ولو به صورت مضاف‌الیه «انتخابات» نیامده است، نمی‌تواند به عنوان کانون واقع شود و در نتیجه موجب کسر (۴) امتیاز شده است.

برآمد

تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قانون اساسی نوشته، اهمیت بسیاری دارد و شورای نگهبان به عنوان مفسر رسمی قانون اساسی در بسیاری از نظرات تفسیری خود به پیروی از رویکرد منشأگرا، در درجه اول بر ظاهر الفاظ و واژگان قانون اساسی تمرکز داشته است. در تفسیر مبتنی بر مکتب منشأگرا می توان از ابزارهای زبان شناسی حقوقی نیز بهره برد. یکی از مهم ترین ابزارهای تحلیل متن زبان شناسی حقوقی، انسجام متن است که ویژگی های رساختی یک متن یا گفته می باشد که بخش های مختلف واحدهای یک گفتمان را به هم پیوند می دهد و در حقیقت یک نظام ایجاد می نماید. بر اساس این دیدگاه در تحلیل متون منسجم بایستی نگرش نظام مند به متن داشت که این مهم در قالب الگوهای مختلفی توسط اندیشمندان علم زبان شناسی مطرح شده است.

پیش از کاربست الگوهای انسجام متن برای تفسیر قانون اساسی، لازم است اساساً انسجام متن قانون اساسی اثبات شود. به این منظور می توان از سه الگوی «انسجام هلیدی و حسن»، «مدل تحلیل موضوع بنیاد» و «نظریه کانونی» بهره جست. بنابر الگوی انسجام هلیدی و حسن میزان انسجام متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حداقل ۸۷/۲ درصد، بر اساس مدل تحلیل موضوع بنیاد این میزان به طور میانگین ۷۱/۹۱ درصد و مبتنی بر نظریه کانونی ۴۸/۵۷ درصد محاسبه می شود. بنابراین متن قانون اساسی نسبتاً منسجم است.

منابع

الف) فارسی

کتب

- آفاکل زاده، فردوس. ۱۳۸۵. *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. ۱۳۶۴. *مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی*. ج. ۱. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- ایشانی، طاهره. ۱۳۹۵. *نظریه انسجام و پیوستگی و کاربری آن در تحلیل متون (غزل حافظ و سعدی)*. تهران: دانشگاه خوارزمی.
- برن، ژان. ۱۳۶۲. *فلسفه رواقی*. ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی. تهران: امیرکبیر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۸۶. *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج. ۳. تهران: گنج دانش.
- شریعت، محمدجواد. ۱۳۷۲. *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- علی آبادی، علی. ۱۳۸۷. *آیین دادرسی تخلفات اداری*. تهران: گنج دانش.
- وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا. ۱۳۹۶. *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: سمت.
- هداوند، مهدی و مشهدی، علی. ۱۳۸۹. *اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)*. تهران: خرسندی.

مقالات

- الهویی نظری، حمید. ۱۳۹۴. «ارتباط‌های سیستمیک ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد». *مطالعات حقوق عمومی*. ۴۵ (۲): ۱۹۵-۲۱۴.
- امرایبی، محمدحسن. ۱۳۹۹. «مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما». *مجله علمی زبانی و بلاغی*. ۱۱ (۲۱): ۱۳-۵۰.
- امرایبی، محمدحسن، غلام عباس رضایی هفتادار، و محمدتقی زندوکیلی. ۱۳۹۶. «ارزیابی

مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن. «**پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**». ۷ (۱۶): ۱۱۹-۱۴۹.

توکلی محمدی، نرجس، و اعظم پویازاده. ۱۳۹۶. «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تأکید بر هیافت نیل رابینسون». **مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی**. ۱ (۴): ۲۵-۵۴.

حقیقین، فریده. ۱۳۹۹. «زبان شناسی». در **دانشنامه جهان اسلام**. غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. ج. ۲۱: ۲۲۶-۲۳۹.

خلف رضائی، حسین. ۱۳۹۳. «رویکردهای تفسیر قانون اساسی؛ با نگاهی به نظریات شورای نگهبان». **دانش حقوق عمومی**. ۳ (۷): ۹۴-۷۳.

ذوقی، امیر. ۱۳۹۲. «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم». **مطالعات قرآن و حدیث**. ۷ (۱۲): ۱۵۱-۱۷۵.

رستمی، ولی، و سیدمجتبی حسینی پوراردکانی. ۱۳۹۲. «جایگاه شوراهاى اسلامی کشور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». **دانش حقوق عمومی**. ۲ (۵): ۴۱-۶۰.

قطبی، میلاد. ۱۳۹۷. «صلاحیت». در **آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی**، به اهتمام جمعی از نویسندگان. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان. ج. ۲: ۷۸۵-۸۰۱.

گلشائی، رامین. ۱۳۹۲. «ارزیابی نظریه‌های انسجام و پیوستگی متنی: به سوی چارچوبی برای ارزیابی خوانش پذیری در سطح گفتمان». **پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی**. ۱۷ (۳۱): ۳۱-۵۷.

محمودزاده، هما، و بهروز محمودی بختیاری. ۱۳۹۴. «کارکرد سبک شناختی عناصر انسجامی در متون حقوقی: بررسی آرای دادگاه‌ها». در **مجموعه مقالات دومین همایش ملی زبان شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی**، فردوس آقاگل‌زاده. تهران: نویسه پارس. ۱۹۵-۲۱۴.

ملاابراهیمی، عزت، و زهرا رضایی. ۱۳۹۹. «کارآیی نظریه‌ی هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره‌ی مزمل». *مطالعات ادبی متون اسلامی*. ۵ (۱): ۹-۳۱.

موسی زاده، ابراهیم، و مصطفی منصوریان. ۱۳۹۳. «رویکرد منشاگرایی در تفسیر قانون اساسی و آثار آن در رویه‌ی شورای نگهبان». *دانش حقوق عمومی*. ۳ (۸): ۱-۲۱.

نبئی، ساجده، سهیلا جلالی‌کندری، و نصرت نیل‌ساز. ۱۴۰۱. «نقاط اشتراک و افتراق شش الگوی ساختارشناسانه در بررسی انسجام متن قرآن». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. ۱۱ (۲۱): ۱-۲۰.

ولیئی، یونس، سید محمود میرزایی‌الحسینی، و محمد فرهادی. ۱۳۹۵. «عوامل انسجام متنی در سوره نوح». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. ۵ (۹): ۶۹-۸۶.

پایان‌نامه‌ها

اصغری شورشانی، محمدرضا. ۱۳۹۸. نظریه تفسیر اجتهادی در تحلیل رویه تفسیری شورای نگهبان. دکتری. دانشگاه امام صادق علیه السلام.

بهادری جهرمی، محمد. ۱۳۹۴. بایسته‌های تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مفهوم و کارکرد تفسیر در نظام حقوق اساسی. دکتری. دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران.

رنج بردار، مریم. ۱۳۹۷. توصیف ویژگی‌های معناشناسی و کاربردشناسی متون حقوق زن در ایران: با رویکرد زبان‌شناسی حقوقی. کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

مظفرزاده رودسری، لادن. ۱۳۷۶. حذف و جانشینی بعنوان ابزارهای انسجام متن در زبان فارسی. کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

نیکوگفتار صفا، حمیدرضا. ۱۳۸۸. تفسیر قانون اساسی و بررسی روش مراجع آن در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا. کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق علیه السلام.

ب) انگلیسی

Books

Halliday, M. A. K. & Ruqaiya Hasan. 1976. *Cohesion in English*. London: Longman.

Articles

Grosz, Barbara J., Aravind K. Joshi, and Scott Weinstein. 1995. «Centering: A framework for modeling the local coherence of discourse.» *Computational Linguistics*. 21 (2): 203-225.

Kibble, Rodger, and Richard Power. 1999. «Using centering theory to plan coherent texts.» Proceedings of the 12th Amsterdam *Colloquium*, 187-192.

Todd, Richard Watson, Patteera Thienpermpool, and Sonthida Keyuravong. 2004. «Measuring the coherence of writing using topic-based analysis.» *Assessing Writing*. 9 (2): 85-104.

Todd, Richard Watson. 1998. «Topic-based analysis of classroom discours.» *System*. 26 (3): 303-318